

## منابع اجتهاد در فقه شیعه

کلید واژه: منابع فقه شیعه، منابع اجتهاد، قرآن، عقل، سنت، اجماع، احکام الهی، قول معصوم، فعل معصوم، تقریر معصوم، رابطه کتاب و سنت

منابع و مآخذی که صاحب نظران مسائل اسلامی و کارشناسان علوم دینی یعنی فقها و مجتهدین جامع الشرایط، احکام و قوانین الهی را از آن استنباط و استخراج می‌نمایند، عبارتند از:

الف) کتاب؛

ب) سنت؛

ج) اجماع؛

د) عقل.

کتاب

اولین و مهمترین وسیله فهم و استنباط احکام الهی، کتاب خدا «قرآن» است: «ونزلنا علیک الکتب تبینا لکل شیء و هدی و رحمة و بشری للمسلمین؛ (و ای پیامبر!) بر تو کتابی نازل کرده‌ایم که بیان‌کننده هر چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است». (سوره نحل آیه ۸۹).

به طور نمونه فقها و مجتهدین از آیه زیر حکم «خمس» را استخراج می‌نمایند: «واعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمسہ و للرسول و لذی القربی و الیتمی و المسکین و ابن السبیل...؛ و بدانید هرگاه چیزی به

غنیمت گرفتید خمس آن از برای خدا و پیامبر و خویشاوندان یتیمان و مستمندان و در راه ماندگان است». (سوره انفال آیه ۴۱)

و از این آیه حکم «حج» را استنباط می‌نمایند: «ولله علی الناس حج البیت من استطاع الیه سبیلاً؛ و برای خدا، حج آن خانه بر کسانی است که قدرت و توانایی رفتن به آن را داشته باشند». (سوره آل عمران آیه ۹۷)

البته باید توجه داشت که «قرآن» منبع و ماخذ اصلی برای استنباط احکام شرعی و مقررات الهی است به طوری که هیچ حکمی نباید مخالف قرآن باشد، چنان که پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: «ما وافق کتاب الله فخذوه و ما خالف کتاب الله فدعوه؛ آن چه موافق کتاب خدا (قرآن) است بگیرید و آن چه را مخالف آن است رها کنید». [۱]

سنت

سنت در لغت یعنی راه، روش، طریقه و آیین و در اصطلاح فقهی به معنی قول، فعل و تقریر معصوم علیه السلام است. [۲]

۱- قول معصوم:

گفته‌ها و سخنان معصومین علیهم‌السلام را که احادیث و روایات حاکی از آن است «قول معصوم» می‌گویند. بنابراین در مواردی که احکام الهی در گفتار و لسان معصومین بیان شده باشد برای فقیه و مجتهد کافی است که طبق شرایطش به آن استناد نماید. به طور نمونه مقدار شستن صورت در وضو را می‌توان از حدیث زیر که یکی از احادیث این موضوع است استنباط نمود:

شخصی از امام رضا علیه السلام از مقدار شستن صورت در وضو سؤال می‌کند، حضرت برای او چنین می‌نویسد: «من اول الشعر الی آخر الوجه و كذلك الجبینین؛ از جایی که مو روئیده می‌شود تا انتهای صورت و همچنین اطراف پیشانی، مقدار شستن صورت است.» [۳]

۲- فعل معصوم:

اعمال و افعالی را که معصومین علیهم السلام انجام می‌دهند اگر چه در سخنانشان فرموده باشند «فعل معصوم» می‌نامند.

پس در مواردی که احکام و قوانین الهی در عمل و کردار معصوم متجلی شده باشد، فقها و مجتهدین می‌توانند طبق شرایطش به آن استناد نمایند و بر اساس آن فتوا دهند. مثلاً انجام فعلی از سوی معصوم حداقل بر حرام نبودن آن دلالت دارد، چنان که ترک عملی از جانب ایشان حداقل دلیل بر واجب نبودن آن است.

به طور کلی هر عملی را که معصوم علیه السلام انجام می‌دهد است ما هم می‌توانیم آن را انجام دهیم، مگر در مواردی که آن عمل، مخصوص شخص ایشان باشد مانند وجوب نماز شب که برای سایرین مستحب است و نباید به نیت وجوب آن را بخوانند.

برای نمونه از پیامبر گرامی اسلام سؤال می‌کنند، چگونه نماز بخوانیم؟ حضرت در جواب می‌فرماید: «صلّوا کما رأیتمونی أصلی؛ همان گونه که می‌بینید من نماز می‌خوانم، شما نیز به همان صورت بخوانید».

یا از امام باقر علیه السلام از کیفیت وضوی رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال می‌کنند، امام در جواب می‌فرماید: ظرف آبی را بیاورند و سپس حضرت به صورت «عملی» چگونگی وضوی پیامبر اسلام را به مردم نشان می‌دهند. [۴] بنابراین فعل و عمل معصوم نیز در استنباط احکام شرعی میزان و حجت است.

تایید و امضای گفتار یا عمل دیگران از سوی معصومین علیهم‌السلام را «تقریر معصوم» می‌گویند.

کیفیت تقریر بدین صورت است که اگر سخنی در حضور معصوم گفته می‌شد و یا عملی در محضرشان صورت می‌گرفت که مورد تایید و رضایت آنان بود، به گونه‌ای رضایت و تأیید خویش را در مقابل آن ابراز می‌داشتند. مثلاً چنانچه در حضور معصوم به شکلی وضو می‌گرفتند یا نماز می‌خواندند، یا سخنی را می‌گفتند و یا نسبتی را می‌دادند و حضرت در برابر آن سکوت می‌کردند، این سکوت نشانه تایید و رضایت معصوم از آن عمل یا سخن می‌باشد که بدان «تقریر» گفته می‌شود. زیرا اگر آن سخن و یا آن عمل از نظر شرعی اشتباه می‌بود معصوم باید از آن جلوگیری می‌فرمودند، چون امر به معروف و نهی از منکر واجب است و معصوم هیچ گاه واجبی را ترک نمی‌کنند.

از مثال‌های تاریخی برای تقریر معصوم می‌توان سکوت حضرت امیرالمؤمنین امام علی علیه‌السلام در برابر نظریات و موضع‌گیری‌های ابودر علیه حکومت عثمان و سکوت امام باقر علیه‌السلام در مقابل قیام برادرش زید بن علی را ذکر کرد.

باید توجه نمود عملی که در محضر معصوم انجام می‌گیرد گاهی یک عمل «شخصی» و «فردی» و در مورد مساله معینی است مانند این که فردی مسح سرش را از پایین به بالا انجام می‌دهد و امام چیزی نمی‌گوید. و گاهی یک عمل «نوعی» است مثل این که سیره و روش عقلا بر این اصل قرار گرفته است که ظاهر سخن گوینده را ملاک و میزان قرار می‌دهند و شرع مقدس اسلام و معصومین علیهم‌السلام نیز از این سیره و عمل جلوگیری نکرده و سکوت نموده‌اند. این سکوت‌ها خود نوعی «تقریر» است که بر صحت مسح سر و سیره عقلا دلالت می‌کند.

## شرایط تقریر

تقریر معصوم علیه السلام در صورتی برای فقیه و مجتهد حجت است که شرایط مخصوص به خود را دارا باشد، برخی از آن شرایط عبارتند از:

۱- آن گفتار و یا آن عمل در حضور معصوم گفته شده و یا انجام گرفته باشد.

۲- معصوم نسبت به آن گفتار و یا آن عمل توجه و علم داشته باشند.

۳- معصوم توانایی آگاه نمودن فرد و جلوگیری کردن از شخص را در صورتی که خطا می‌کند داشته باشند، مثلاً در حال تقیه بسر نبرند.

پس تقریر معصوم نه سخنی است که فرموده‌اند و نه عملی است که انجام داده‌اند، بلکه «تایید» سخن یا عمل دیگری است. چنین تقریری نیز برای مجتهد حجت و دلیل است و می‌تواند طبق شرایطش بدان استناد نماید. پس «سنت» که دومین منبع استنباط احکام الهی است از نظر شیعه، شامل سنت پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام هر دو می‌شود:

«وما آتکم الرسول فخذوه و ما نهکم عنه فانتهوا واتقوا الله ان الله شدید العقاب؛ هر آن چه پیامبر برای شما آورده بستانید و از هر چه شما را منع کرده اجتناب کنید، و از خدا بترسید که خدا سخت عقوبت می‌کند».(سوره حشر آیه ۷)

«یا ایها الذین امنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اولی الامر منکم؛ ای مؤمنان! خدا را اطاعت کنید و از پیامبر و صاحبان امر خویش (اهل بیت علیهم‌السلام) فرمان برید».(سوره نساء آیه ۵۹)

«انی تارک فیکم الثقلین کتاب الله و عترتی اهل بیتی ما ان تمسکتُم بهما لن تضلوا و انهما لن یفترقا حتی یردا علی الحوض؛ من دو چیز گرانبها و ارزنده در نزد شما می‌گذارم: کتاب خدا و عترت و خاندانم را. تا

هنگامی که به آن دو متمسک می‌شوید هرگز گمراه نخواهید شد و این دو یادگار من هیچ‌گاه از هم جدا نمی‌شوند، تا در کنار حوض بر من وارد گردند».[۵]

رابطه کتاب و سنت

احادیث و سنت‌های رسیده از سوی معصومین علیهم‌السلام را می‌توان در مقایسه با کتاب خدا (قرآن) به سه دسته تقسیم کرد:

۱- احادیث و سنت‌های تاکیدی و تاییدی:

دسته اول احادیث و سنتی است که مضامین آن، احکام عام و کلی قرآن را عیناً تایید و تاکید می‌کند مانند روایاتی که به نماز، روزه، خمس، زکات و حج امر می‌نماید و یا از رباخواری، ارتکاب قتل و نوشیدن شراب نهی می‌کند.

۲- احادیث و سنت‌های توضیحی و تبیینی:

دسته دوم سنت‌ها و روایاتی است که در جهت تبیین و توضیح و تفسیر آیات قرآن وارد شده است مانند احادیثی که مبین و مفسر اصل آیات نماز، روزه، خمس، زکات و حج می‌باشد و اجزاء، شرایط، موانع، مبطلات و کیفیت آن‌ها را بیان می‌نماید. یا روایاتی که آیات عام را تخصیص زده و آیات مطلق را مقید نموده است.

۳- احادیث و سنت‌های تشریحی:

دسته سوم سنن و احادیثی است که به طور قطعی و یا ظنی (معتبر) بدست ما رسیده و دربرگیرنده احکامی است که کتاب خدا در مورد آن‌ها ساکت می‌باشد و به هیچ وجه متعرض آن‌ها نشده است مانند حرمت

پوشیدن لباس ابریشم برای مردان و یا محروم شدن وارث از ارث پدر در صورتی که پدر خویش را به قتل برساند.

عمل به این سه دسته از احادیث و روایات نه تنها جایز، بلکه در برخی از موارد که شارع مقدس معین کرده واجب است. ولی به احادیث و روایاتی که مضامین آن مخالف صریح احکام و معانی قرآن کریم است و هیچ‌گونه توضیحی برای هماهنگی آن با قرآن یافت نمی‌شود نمی‌توان عمل نمود. زیرا این احادیث یا جعلی است و یا صدور آن‌ها از جانب معصومین علیهم‌السلام مورد تردید است. [۶]

### عقل

حجیت عقل از نظر شیعه به این معنی است که اگر در موردی عقل یک حکم قطعی داشت، آن حکم به حکم اینکه قطعی و یقینی است حجت است. [۷]

### اجماع

یکی از معانی «اجماع» در لغت اتفاق نظر یک گروه معین است، ولی در اصطلاح فقه شیعه اجماع عبارت است از: «اتفاق نظر فقهای شیعه در یک عصر بر یکی از احکام شرعی که فاقد دلیلی آشکار و معتبر است به گونه‌ای که بتواند کاشف از رای و نظریه معصوم علیه السلام باشد».

به طور مثال اگر معلوم شود در یک مسأله‌ای همه مسلمانان عصر پیامبر گرامی اسلام بدون استثنا یک نظریه داشته و یک نوع عمل می‌کرده‌اند، و یا چنانچه همه اصحاب یکی از ائمه اطهار علیهم‌السلام که جز از حضرت دستور نمی‌گرفته‌اند در یک حکمی وحدت نظر داشته‌اند، دلیل بر این است که آن را از معصوم فراگرفته‌اند و از این اتفاق نظر کشف و استنباط می‌شود که دستور و حکمی از سوی شارع مقدس در آن مورد بوده که به دست ما نرسیده است.

پس از نظر شیعه، اجماعی حجت و میزان است که به گفتار معصوم علیه السلام مستند باشد و از این مطلب دو نتیجه گرفته می‌شود:

۱- از نظر شیعه تنها اجماع علمای معاصر پیغمبر و یا امام حجت است. پس اگر در این زمان همه علمای اسلام بدون استثنا بر یک مسأله‌ای اجماع نمایند به هیچ وجه برای علمای زمان بعد حجت نخواهد بود.

۲- از نظر شیعه اجماع اصالت ندارد، یعنی حجیت و اعتبار آن به این جهت نیست که اتفاق آراست، بلکه از آن نظر خواهد بود که کاشف از رأی و نظریه معصوم است.

البته نظریات دیگری در باب اجماع و حجیت آن نیز وجود دارد. بنابراین «اجماع» را نمی‌توان به عنوان منبع و مأخذ مستقلی برای استنباط احکام شرعی در عرض «کتاب» و «سنت» قرار داد. زیرا اجماع مستقلا و به خودی خود دارای اعتبار و حجیت نیست، بلکه چون کاشف از سنت معصوم علیه السلام می‌باشد معتبر است و ذکر آن در کنار منابع دیگر، تنها به منظور پیروی از روش پیشینیان در تنظیم این مباحث است.

پانویس

۱. اصول کافی، ج ۱، فضل العلم، ب ۲۳، ح ۱، ص ۶۹.

۲. بر سنت معانی دیگری از قبیل: بدعت، استحباب و نماز نافله نیز اطلاق می‌شود.

۳. فروع کافی، ج ۳، الطهارة، ب ۱۸، ح ۴، ص ۲۸.

۴. فروع کافی، ج ۳، الطهارة، ب ۱۷، ح ۴، ص ۲۵.

۵. وسائل الشیعة، ج ۱۸، القضاء، ب ۵، ح ۹، ص ۱۹.

۶. با اقتباس از: مبادی اصول الفقه، عبدالهادی فضلی، ص ۸۱-۸۲.

۷. آشنایی با علوم اسلامی ۳ (اصول فقه - فقه)، شهید مرتضی مطهری

منابع

عبدالرحیم موگهی، احکام تقلید و اجتهاد، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۶.



آشنایی با علوم اسلامی ۳ (اصول فقه - فقه)، شهید مرتضی مطهری

دانشنامه اسلامی